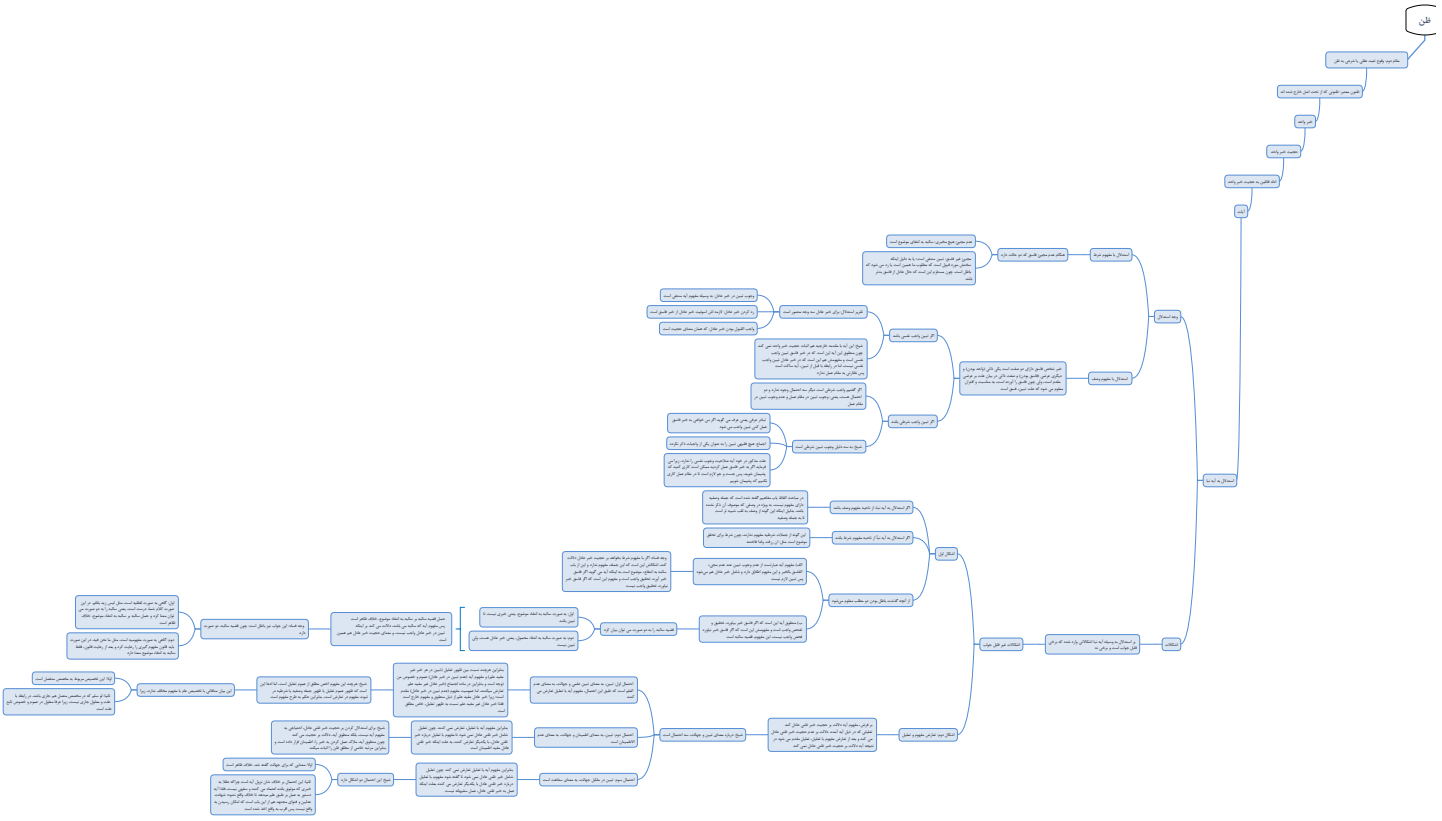
قانون
مکلف بودن واقع است عقلی یا شرعی به نحوی
قانون محض ظنونی که از تحت اصل خارج شده اند
امر واقعه
حجیت خبر واحد
ادله قائلین به حجیت خبر واحد
قانون
ادله استدلال به آیه نبأ
وجه استدلال
استدلال با مفهوم شرط
مشکل عدم دخول فاسق که در مقدمات دارد
عدم دخول موضوعی، مسئله به انتفاء موضوع است
مفهوم غیر فاسق ایمن حجّتی است؛ یا به عنوان اینکه مخالفت خبر فاسق است که مطلوب ما تأمین است یا به این نحو که باطل است، پس مسلّم در این است که عمل خلاف از فاسق بشر باشد
استدلال با مفهوم وصف
امر مفهومی فاسق دارای دو صفت است یکی اتیانه بنبأ و دیگری فسق فاسق بنبأ و صفت دارای دو حالت است یا صفت فسق بر خبر علت است برای مجیء بنبأ و یا آورده است به مناسبت و اقترانی مفهوم نمی شود که صفت ایمن نحوی است
اگر ایمن واقعت قیدی باشد
شیخ: این آیه با مقدمه دارد بعد غیر انفاذ حجیت خبر واحد نمی کند چون مفهوم این است که خبر غیر فاسق ایمن باشد قیدی است و اطلاق ایمن ندارد که بگوید قائل ایمن واقعت بشر نظارت به مفاد عمل ندارد
اگر ایمن واقعت توضیحی باشد
اگر تقیدی واقعت توضیحی است دیگر بحث استقبال وجود ندارد و نه استقبال هست یعنی وجوب ایمن در عمل فعل و عدم وجوب ایمن در انفاذ خبر
شیخ به سه دلیل وجوب ایمن توضیحی است
شاید توضیح معنی خواسته می گوید اگر من توضیحی به خبر فاسق عمل نمی آمدم واقعت می شود
اصلاح مفهوم تبیین را به معول یکی از واجبات دار نگردد
علت مذکور در تعلیم آیه صدا مراعات وجوب تبیین را اجازه زیرا نمی فرماید اگر به خبر فاسق عمل آورید مسائل است اگر نی گوید که بالجمل تبیین خبر شده و هم لازم است و هم لازم است و در بطن عمل لازمی باشیم که بالجمل تبیین
استدلال به آیه نبأ
اگر استدلال به آیه نبأ از ناحیه مفهوم وصف باشد
در صناعت اکتفاء بات مناقشی گفته شده است که جمله وصفیه دارای مفهوم نیست به پیوازم وصفی که مسجیل آن از نحو باشد باشد بخاطر اینکه این گفته از وصفات به لقب شبیه و است یا به جمله وصفیه
اگر استدلال به آیه نبأ از ناحیه مفهوم شرط باشد
اگر گرچه از جملات شرطیه مفهوم ندارد چون شرط دارای تعلق موضوع است مثل ان رزقت ولدا فاضحیه
استدلال اول
وجه ضعف اگر ما مفهوم شرط بخواهیم در حجیت غیر فاسق داشته قسمت اشکالاتی این است که این ضعف مفهوم شرط، و این از باب مسئله به انتفاء موضوع است به اینکه نه می گوید اگر فاسق خبر آورد تحقیق واجب نیست
اگر گفته شود مفهوم شرط می باشد
کلمه مفهوم که عبارت از عدم وجوب تبیین عند عدم مجیء فاسق باشد و دارای مفهوم اطلاق دارد و مثل غیر فاسق می شود؛ پس تبیین لازم نیست
ما معلوم این است که اگر فاسق خبر بیاورد تحقیق و فحص واجب نیست تبیین خبر فاسق، مفهوم قضیه مسئله است
استکاف غیر قابل جواب
بر استدلال به وسیله آیه نبأ استکاف وارد است که بر اساس قابل جواب است و مرادی ما
بر فرض، مفهوم آیه دلالت در حجیت خبر فاسق دارد که مطلق که در قول آیه آمده دلالت در عدم حجیت خبر فاسق دارد این آمده و بعد از تعارض مفهوم با اطلاق، اطلاق مقدم می شود؛ شبیه آیه دلالت در حجیت خبر فاسق دارد تبیین شد
استکاف مورد تعارض مفهوم و اطلاق
شیخ: درباره مسائلی تبیین و جهالت به استقبال است
احتمال اول: تبیین به معنای تبیین خلق و جهالت به معنای عدم علم است که طبق این احتمال، مفهوم آیه با اطلاق تعارض می کند
شارحان عرضه نمود: تبیین خلق اشیت در هر خبر غیر جنبه علم و مفهوم آیه اعلم تبیین در خبر فاسق، مفهوم و اطلاق در جنبه و ترجیح است و بنابراین در مادت اصحاب اشیی فاسق غیر جنبه علم شارحان: مسئله است قسمت جهالت و عدم تبیین خبر فاسق، مفهوم آیه اعلم تبیین در خبر فاسق، مقدم است زیرا خبر فاسق جنبه علم دارد اول مطلق و مفهوم حاکم است جنبه خبر فاسق غیر جنبه علم است و به طریق تحقیق، تنقیح مناط
احتمال دوم: تبیین به معنای تفصیل و جهالت به معنای عدم تفصیل است
شیخ: این احتمال مورد تعارض است
احتمال سوم: تبیین در مطلق جهالت به معنای مشکوک است
شارحان: جهالت به با تحقیق تعارض می کند چون تحقیق شارحان: خبر فاسق غیر جنبه علم و با تحقیق تعارض می کند چون تحقیق اول از خبر فاسق است و اصل در خبر فاسق عمل است
شیخ این احتمال مو استقلال دارد
لزوما مسائلی که برای جهالت گفته شد، تفاوتی ظاهر است
شبیه این احتمال بر تفاوتی مثل دیزل آید است بر تراکم مطلقا به اجزای که موقوع باشد اتصال می کنند و مسئلی نیست فقط آیه مسئلی به عمل در طبق غیر مسئله تا حالات واقع شود جهالت عقلی و فقهای مجتهد هم از این است که استقلال رسیدن به واقع نیست پس گرید به واقع آمده شده است
وجه قسمت مسئله و مسئله به انتفاء موضوع انتفاء تکلیف است
زمن حجیت آیه که مسئله می باشد دلالت می کند و ایجاد مسئله در خبر فاسق غیر همین است
وجه قسمت این جهات بنا بنقل است چون قسمت مسئله در نحوه بنا
وجه قسمت اگر جهالت در حجیت قطعیه است مثل تبیین زیرا مطلقی در این صورت قابل تعبد است و عمل مسئله و مسئله به انتفاء موضوع انتفاء تکلیف ظاهر است
وجه قسمت اگر جهالت در حجیت مفهومیه است مثل ما خبر فیه در این صورت بنا بنقل مفهوم گفتیم که دلالت آیه و بعد از دلالت قائلی، قطعا مسئله به انتفاء موضوع است دلالت
این مثال مطالقی با تخصیص غیر با مفهوم مخالف تعارض زیرا
لزوما این تخصیص مربوط به مخصص مستقیل است
شیخ: مو مسئلی که در مخصص مستقل غیر بلازمی باشد در ارتباط با مفهوم و مطلق تعارض نیست زیرا مو مرتبط مطلق در مورد مخصص اخیر باشد است
شیخ: عرضه این مفهوم اعلی مطلق از عموم مطلق است، اذا اتیه این است که ظهور عموم مطلق، ظهور عمم وضعیه با نص عرضه در مفهوم مفهوم در تعارض است بنابراین حکم به طرح مفهوم است
شارحان: عرضه نمود: مفهوم آیه با تعارض نمی کند چون مطلق شارحان: خبر فاسق غیر جنبه علم و با تعارض تعارض است به بعد اینکه خبر غیر فاسق غیر جنبه علم است و به طریق تحقیق، تنقیح مناط
شیخ: درباره مسائلی تبیین و جهالت به استقبال است
احتمال سوم: تبیین در مطلق جهالت به معنای مشکوک است
شارحان: مفهوم آیه با تعارض نمی کند چون تعارض شارحان: خبر فاسق غیر جنبه علم و با تحقیق تعارض می کند چون تحقیق اول از خبر فاسق است و اصل در خبر فاسق عمل است
شیخ این احتمال مو استقلال دارد
لزوما مسائلی که برای جهالت گفته شد، تفاوتی ظاهر است
شبیه این احتمال بر تفاوتی مثل دیزل آید است بر تراکم مطلقا به اجزای که موقوع باشد اتصال می کنند و مسئلی نیست فقط آیه مسئلی به عمل در طبق غیر مسئله تا حالات واقع شود جهالت عقلی و فقهای مجتهد هم از این است که استقلال رسیدن به واقع نیست پس گرید به واقع آمده شده است